



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۲/۱۵



یونس نگاه

داستان فریبنده اختلافات رهبران طالب

از مدتی به این سو تبصره‌های بسیاری بر سر اختلافات درونی طالبان در رسانه‌ها مطرح شده و در مورد عواقب آن اختلافات گمانه‌زنی‌هایی جریان دارد. حتی از کودتای احتمالی در کابل نیز صحبت شده است. به‌تازگی برخی زورمندان طالب نیز انتقادهایی را در نشست‌های علنی از وضعیت موجود و سیاست‌های رهبری گروه مطرح کرده‌اند. برخی محافل خارجی تبلیغ می‌کنند که در درون طالبان کسانی هستند که اگر فرصت بیابند، در ساختن نظامی که برای جامعه بین‌المللی قابل قبول باشد و بتوان آن را به رسمیت شناخت، گام‌های جدی بردارند. کسانی از درون طالبان هم می‌کوشند با موضع‌گیری‌های خود گاهی آن تصور را تقویت کنند. اما اگر گذشته معیار قضاوت باشد، نباید به تحول مثبت از درون طالبان امید بست. حدود سه دهه حضور این گروه در عرصه سیاست باید زمان کافی باشد تا بدانیم که ریشه‌های فکری، پایگاه‌های اجتماعی و تکیه‌گاه‌های مالی و استخباراتی این گروه امکان چه کارهایی را برایش می‌دهد و باید از آن چه انتظاراتی داشت.

در دور نخست نیز وقتی طالبان به میدان آمدند، گفته می‌شد که در درون آن گروه نیروهای غیرطالبانی از جمله حامیان ظاهرشاه حضور دارند و وقتی قدرت را بگیرند، دولت سراسری قانونی تشکیل خواهد شد و طالبان به مدارس خود برخواهند گشت. گمنامی رهبران و فرماندهان طالب فرصت گمانه‌زنی‌ها و تبلیغات عجیب و غریب را مهیا کرده بود، از جمله برای تعدادی از نام‌های مرموز چون ملا برادر که اکنون نیز «مايه امید» برخی محافل خارجی و فریب‌خورده‌گان داخلی شده است، هویت‌های عجیب و غریب می‌تراشیدند. یکی را کرنیل پاکستانی، دیگری از کادر خلقی و کسانی را نفوذی‌های ظاهرشاه و نیروهای لیبرال ساکن غرب می‌خواندند. در میان احزاب و سازمان‌های سیاسی از این صحبت‌ها بسیار می‌شد و خیلی نیرو و وقت هدر می‌دادند. اما عمل‌کرد طالبان نشان داد که آن گروه از یک جریان سیاسی-اجتماعی نماینده‌گی می‌کند که طی سال‌های طولانی در اثر تبلیغات سیستماتیک و حمایت‌های مالی گسترده در منطقه ما ریشه دوانده، از میان توده‌های وسیع روستایی و محرومان شهری سربازگیری می‌کند، متحدان منطقه‌ای و جهانی دارد و دچار توهمات وحشت‌ناک فکری نسبت به جهان و زندگی است. این نیروی عقب‌مانده و پوتانسیل ویرانگر با مشوق‌های مالی و تسلیم‌طلبی‌های سیاسی مهار نمی‌شود و به اعتدال نمی‌گراید، بلکه قوی‌تر و مخرب‌تر می‌شود. تمایلات فردی تعدادی از قدرت‌مندان طالب نیز نمی‌تواند مسیر این گروه ارتجاعی را که علت وجودی‌اش نفی و تخریب است و در منظومه فکری‌اش ساختن و آباد کردن جایی ندارد، با تروریسم و جهادگرایی جهانی در هم تنیده و به اقتصاد سیاه و مافیایی معتاد است، چنان متحول سازد که یک‌باره به نیروی سیاسی صاحب صلاحیت اداره کشور و رهبری ملت بدل شود. چنین تحول آرمانی اگر ممکن هم باشد، از راه تسلیمی و دادن امتیازات مالی و سیاسی میسر نمی‌گردد، بلکه گروه طالبان مثل هر پدیده اجتماعی یا باید به اجبار و از طریق مبارزه و ایستاده‌گی خنثا شود و یا باید گذاشت تا به تدریج و طی یک دوران دردناک و بسیار طولانی رویارویی با واقعیت‌ها در درون جامعه هضم شود.

چشم‌داشتن به تحول مثبت از درون طالبان اشتباه است. آن گروه با عناصر و ریشه‌های کنونی‌اش ظرفیت اقدام مثبت را ندارد. طالبان نیروی شر است و برای ملت افغانستان جز ایستاده‌گی و مبارزه برای عبور از این دوران سیاه طالبانی، گزینه دیگری به چشم نمی‌آید. اگر سببیت تروریستی آن گروه، اقدامات وحشیانه و سرسختی آن در برابر تغییر را که در نزدیک به سه دهه شاهد بودیم کنار بگذاریم، یک‌وینیم سال اخیر درس‌های فراوان از واهی بودن امید به تغییر طالب، دارد. مخالفان طالبان اگر نتوانند خود را انسجام بخشند و همچنان گوش‌به‌زنگ اعتراض سراج‌الدین حقانی در برابر ملا هبت‌الله و نارضایتی ملا برادر و امثال‌شان بمانند، در تداوم بربادی کشور سهم خواهند داشت و نسل‌های آینده تنها به طالبان نفرین نخواهند کرد، بلکه به هزاران آدم سیاسی، صاحب امکانات و مسوولیت تاریخی که منفلان بربادی کشور و رنج مردم را تماشا می‌کنند، نیز نفرین خواهند فرستاد.

د پائو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکنډی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لوی